





(100, 100, 100) 100, 100

۸۸۹۰۸ و نوشت افزار
حاجی خان
امیریه مقابل قلعه وزیر



۴

جلد دوم ۱۴۲۵

خطی	کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۹۸۹۷	

۱۱۹

۹۸۹۴

۸۸۹۰۸



س ۱۰
ص ۲

جدد م

در آن پس که بنوم ز خوشین آگاه
بجاء روزن آگاه شد چنان نشان
در جهایت قبر که دفن گشته است
تو بنی دم ز تو بزرگ ترا
و زنی که در این بیت بنی بیت اول دفن است
محرف اینسان باشد
صحیح است

س ۱۰
ص ۴



چنانکه سال نو آورد مرا تر است
خسته بادت سال سر بسه کیهان
قطع نظر از این قصیده که مطلعش این است
که در بدل تو مرا ملک و فاقیت
هر تریدیت که در حضور باشد
همچو بهر ترا هو ارحمت
ای بندد امرا که کیسان
ایم قصیده بطرحش بوده پس در تمام باب قصیده
عوض مصراعها در جای خاصه طبعه بوده و بدوی تا

س ۱۲
ص ۵

تا برست شاد باشد تازه باشد بخون
کلیت بر خواهر او تیر باشد به فغان
این بیت مختصر است که در حرف شکر بیج شاه میرسد
که کله در تازه محرف رما است در صورت ظاهر دارد
تو آن می رود که شاید در دست پند ولی باز که نالی
چند آن نالی ندارد و بعد از آن در فخر نالی دارد
در این می رود و در باطنی است و بیرون که در این
نیز

قبیر است
که گویند قدس
افزون بر درایت
نیز اخلاص است

س ۱۳
ص ۴

چنانکه سال نو آورد
ای بندد امرا که کیسان
پس طبعه در این قصیده خدای

ع ه خا که سال نو
= کرجان
چون آوردید رزود و خدای



بجھڑی و بعدی نیکو سا دروان

از حقیقی و مدنی چگونه بود و نزد و چه ابراهیم را می بیند



①

هم دینار کی رای شمس را آمد

امیر راده بعد از نبرد و قتل

۱- امیرزاده بنده و گویا هیچ نبوده و امیرزاده که بی بوده ای برزاده چه می باشد ؟
۲- امیرزاده بنده و گویا بنده که بی بوده و امیرزاده که بی بوده

4

11

اگر نه گوهر نایب است از نه چو صدف
چرا نه ز دلگران گشته زشت چو نون

مرحوم علامه نقوی در تیسرے فتوے میں لکھتے ہیں کہ کتاب جو بہت سے اصحاب کے ہاتھوں میں ہے وہی
بائین است و لا اگر بائی نہ کوہر (۱) نہ کوہر بخوانم منع تہدید نمود۔

$$\frac{v}{v}$$

10

مہربانہ گفتر رہیں ورنہ کھٹو

نور محمد بن علی خان

۱ - اخلاق مخ : زبانه باره آن کتب را در زبانه باره آن کتب که است . و زبانه باره آن کتب

و فراتین به ریاست

در این ضمیمه تنها خلاصه خبری است و قصد هر است بطوری که در این باب نگاشته اند
 در هر است که نگاشته است و اگر فردی وقت بهتر از هر روزی بود
 چه کرده است آن سر زلف پریت که یک وقت به یک جانی مانده
 در است و بی تفاوت گویا بدست نمانده است
 سپیده میرفت آن خبری در فضل مهر فخری یگانه
 یگانه ، منبر یگانه ، یگانه ای صبح است
 ز کمر کوه است هر مهر ماه و روزه بر جع گردد صوبان
 - نظر از زهر (بهرت از زهر) اندک نیست ، مهر ازین برود
 قوت می آید و است را ضدی قوت یک قوت و از است
 در این خبری زید و یکتا کف است نه تائب

50 1.

9

با رض و بر آن گردند بوده است بخوشی و در حق راجد نای
۱- چند ضلع: چشم خوشی مکمل در حق رانای ، چشم جورکی ، چشم جورکی و
ایم و از کله در است

۲۲ ۱۱

10

زبان کینه در کس ام بر خشم کینه دوست
 زخم مار بود هم ز زبان مار آفاي

(۲- در بعض از نسخ در هر دو سره زبان است و در بعضی در هر دو سره زبان و بطور بند
 اگر در هر دو سره زبان بودی باز زبان بند . زبان بمنزله گرگ است مانند آهنگر در هر دو سره
 شمشیر زبان هم صیقل بخورد .

۷۸ سر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۴ ۲۶ بارکت باد این چشم در گمان بزرگ
 ۱۱ نصیب شکر زین چشم بر گداز بر پاش

۱- خجسته غمزه بر گداز و بای ، بر گداز بر بای ، غمزه آخری بهتر است
 ۱۳



۶ ۲۷ گزینش بر لعل هدایت که هستی زده
 ۱۲ آن زده که کاسته است از عاید پریشانی

۱- اخذ دست نخ : که کاسته است ، که کاشت ، تصویر بد که کاسته است ، چه بدی
 بگوید که تو از غنیمت دگر بگذر ، بر لعل هدایت ، زده بختی ، ای درت است و آن زده را
 که بر لعل نصیبی که پریشانی که بر لعل خط کاسته است ، عاید از خط و پریشانی هم بود
 تجارت ، و کاسته نام درت ی آید .

۲- اخذ دست نخ : باز پرگیری و بگذر از زاده در ، باز پرگیری تو بگذر از زاده در
 باز از پرگیری مهر گزینش زاده در ، باز پرگیری تو بگذر از زاده در ، که هم یک صحیح تر است ؟

۲ ۳۷ در لب چون دانه غایت کین
 ۱۳ بزرگ بودن اندک به نیت

۱- در لبی از غمزه : دانه غایت ، پس بعد از غمزه غایتی اندک به نیت که هم خود در کلمه
 امیسی بوده ، رمان اعلیسی یعنی از روشنی است که این افتاده و میسی یعنی غایت

۳ ۳۸ حاجت زد زلفت بطلع منظر
 ۱۴ حاجت زود و زلف خلعت مهم غصه دخی
 آیا غصه زنی را قوی نمی نارد ؟



در سفر دلم نگار و در دلم
عبر پنج رشت چهره بی چشم
که بخت چو ن او
در هر سفر بی خیزد و بگریزد
خویش را بفرستد و بفرستد
پیر چو بی دارد
ای غل در جیب و در هر سفر
در هر سفر و در هر سفر
بر غل که دارد یک نوچه
از هر سفر

چنان گفتم از غفلت آن نگار
که بر من ز غفلت بی غار (کذا)
ای غل در صفت جاسر که است
ایم از آمد در حضور پنهان
من غار ای پنهان در است
پنهان در غار در غار
یا ای غل غار یا ای غل غار
کجا جوی غل خواهم ای دلم
در جانت گرامی دارد
روی غل ز غل و در غل
ایم باقی در جوی ز غل
در جوی غل که بخت
در جوی غل که بخت
در جوی غل که بخت

برای چنان چو شنای عبس در خط او
که بخت دلی بهر سنگ ناب ده
یا به بهر تر است دلی در تر دلی
خود در هر دلی ای هر صواب ده
کی خا که غل این هر صواب کند
کی خا که غل این هر صواب ده
۱- یاه دریش سفر این صراع معلوم است
ظا آید و دریش است و ماه و دریش دلی
۲- یاه نامید روی و سپید و دریش دلی

۵۰ ۳

۱۸
چون بود و آن در زلف چری کرد
افق دم شد قمری کرد
۱- خند رخ : بر آن زلف چری کرد
۲- مکت قمری ستون فایده عود قمری است
عود قمری که صحیح است

۵۹ ۲

۱۹
آمد لب ترا ز نو قمری
کز هر نخی هر فای کوی
۱- قمری چه بهتر دارد و از بهر قمری است که نوزی خند آن است
نفر بهر چه است



۷۶ ۱۴

۲۰
سر که به گیسو گیسو را
دور باد بنامه گیسو را
۱- گیسو : بر لبان بود که بچند ۲ بنامه و بنامه بنامه یعنی مدتی نذر کرد
ناید آریا به بنامه که بنامه کاب و گوت بنامه و بنامه است
بنامه

۹۵ ۹

۲۱
در غم کو که در غم نیک بود
که قمری حضرت نام نیک ز کوه است
۱- قمری بنامی غلام و صحیح و کجای بهر چه جوی نوشته است که ز کوه ایان ز کوه است
که تا از آن اندخته است و بنام صحیح بنامه که قمری بنامه و بنامه است و نام نیک ز کوه است

۹۳

۲۲
غزل بود که وار به سرور
ستاره بهر چه است در کوه بنامه است

چون که در میان دهر ایستاده ام
ناتوانی چون که در غایت دور

دله انام کفر و کفر ناپوشه امدی و لم ندری است
۱- نمره لاریجانی در باره پسر و کفر دله و نوح کفر از بار خنده معلوم نموده و کفر کم معلوم
کات

چرای کوره و داد و ستد در چیل
چیل را بنام و صفی کردن جزایرت
چند و در چیل خوانده .

[illegible][illegible]

۱۱۲ ۵ هیولان جو جنگ با او درون کند بره
 که در آنجا در هر جا جنگ سنی دوش نیست
 آن در هر جا سنی توان کرد که آن نفس کی است که چون برین جنگ او درین بران نیست حال که
 بر طبر جنگ کی تواند در کشت او چون آتشی جنگ کی آید

ستام صحیح است یا نام مبنی بر این است

تمام صحیح است

۱۱۳ ۱۲ ترانده و نو دیش است و در چهار راهی
 چای نظری رسد که در پنج بیج تجرب زانکه بر حوزده و نه و قیاس انکه در بعضی گویم (نوه نفرین ۶)
 ترانده و نو دیش است و در چهار راهی
 ناست آن کی با هم برده آن کی که درونم

۲۸

۱۱۴ ۲ گشته در جب جودی ام اندران ساعت
 جودی را دریم صلب سنی کرده است او را بنده توانم در فرنگ که در آن است و ای در اید ام
 نایا سنی بهم است



1. A ✓

خودم که گذشت در یکی بود
بفرستادم که در دشت و گوری
اولی اگر نزد خودم بیاید
بفرستادم که در دشت و گوری

l. o. v

1.0 5

۳۳۳

۳۴۵

20-15



f - a

4-11f



۹ ص ۴ نبرد عشق و خشم در هر دو کمان برده خفته بر دوش تاب
نبرد عشق و خشم در هر دو کمان برده خفته بر دوش تاب ع-ه

۸ ص ۴ دامن زار عشق و خشم در دامن زار ع-ه: دامن زار عشق و خشم در دامن زار



۵ ص ۴ خواهم که نیاید ع-ه خواهم که نیاید

۵ ص ۵ اگر ندم زان عشق نفسی تا رخ در جهان نماند بی
اگر ندم زان عشق نفسی تا رخ در جهان نماند کسی ع-ه

۳ ص ۵ تا بارخ اندازان را بکشد ع-ه تا بارخ اندازان را بکشد

۱۶ ص ۶ دیدم ز سر بخت و نسیان گذر از کشتن بماند کند
چو راهی بیاید بیرون بکام ندر زان نسیان بکام ع-ه

۶ ص ۵ تنه زار شاخ در آید درخت ع-ه تنه زار شاخ در آید درخت

تنه زار شاخ در آید درخت
تنه زار شاخ در آید درخت



۵ ص ۵ که زان بود مانده اندیشه در دهنده عقیده دلانده که نماند کفایت
در رخسار تو ای که کفایت بود در دهنده عقیده دلانده که نماند کفایت
نماند کفایت در دهنده عقیده دلانده که نماند کفایت

۶ ص ۵ چو در دهنده عقیده دلانده که نماند کفایت
چو در دهنده عقیده دلانده که نماند کفایت ع-ه

۷ ص ۶ نزل ادب بر دوش بخت ع-ه نزل ادب بر دوش بخت
این که را به رخ دوش بخت نماند کفایت در دهنده عقیده دلانده که نماند کفایت

۷ ص ۶ چو در دهنده عقیده دلانده که نماند کفایت
چو در دهنده عقیده دلانده که نماند کفایت ع-ه

سرفراز ص ۱۲ - نانی کی بانہ ۴-۵ - نانی کی بانہ رسودی ہم کی زندگی

۹ ص ۱۰۵ اندر بران از غلطی تو بود در پیشتر ع-و اندر بران از غلطی تو بود در پیشتر

سر ۱۰ ص ۱۰۹ ادب نو در این ده بیت ع-هو ادب نو در این ده بیت
شماره پنجم

سوره ۱۰۸ صبح و زرق یک در سگتی ۶-۵ صبح و زرق یک در سگتی
بر یک نمره که در خود ندانم به صبح است

سر ۱۰۷ بارکی خوات شاه پیرنگار - در هر کوزه نفع کرده اند

کہ کہیں اس جہ از مسرت نہ در حقیقتہ :

بارگه غولت ناد دنا، بهر گدار برنفت، بهر دهن سار .



سر ۹ ص ۷۷	کند شو که هر چه بدی است	ع - و کند شو که هر چه بدی است
سر ۱۰ ص ۷۸	آن غرضی که او نرسیده	ع - و آن غرضی که او نرسیده
سر ۱۱ ص ۹۰	و همان است که او نرسیده	ع - و کند شو که هر چه بدی است

ص ۹۱ ص ۹۲ ص ۹۳ ص ۹۴ ص ۹۵ ص ۹۶ ص ۹۷ ص ۹۸ ص ۹۹ ص ۱۰۰

۱۴۲
که خیر کی خیر است نام نیز گوید ۹ و: که خیر کی خیر است نام نیز گوید
(کین نام است)

سء ۹۲ رخصت فخر رنظر اردو گاہی کتب ۵۶ : رخصت فخر رنظر اردو گاہی کتب

مسدود ص ۹۵ ۶ هـ : زمزمی و اسیرانه

سر آرد مرع ۹ قوکه که خبثت آن مرع ۶ دانه که خبثت را بآن مرع

مسالہ ۹۸
۱۔ وہ دیکھ کر جو کچھ فرمایا
۲۔ وہ دیکھ کر جو کچھ فرمایا

ص ۶۰۰
از این دو جهان

سر ۷ ص ۱۱ دیوبند میں دود و اراج : ۱۰ ع ۱۰ دیوبند میں دود و اراج : ۱۰

۳ ص ۱ نقل از دایان و در معنای ۲ هـ بر معنی اولی



در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

در این کتاب

نام _____
شهرت _____
دبستان _____
دیبرستان _____

